

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

بررسی نقش عوامل اجتماعی در نابودی گویش به‌دینان کرمان و تلاش برای نجات آن*

آرمیتا فرهمند^۱

چکیده

زبان نشانگر هویت و گذشته هر مردمی است، ولی شاهدیم که بسیاری از زبانهای اقلیت تحت نفوذ زبانهای رسمی از بین رفته‌اند یا شانس برای بقا ندارند. زبان زرتشتیان، ذری (dari)، گورونی (gavruni) یا به‌دینی نامیده می‌شود که خود دارای دو لهجه اصلی به‌دینی یزدی و کرمانی است. امروزه تنها شمار بسیار کمی از سالمندان زرتشتی را یارای سخن گفتن با گویش به‌دینی کرمانی است. هدف از این نوشتار افزون بر گامی برای دوباره زنده کردن این گویش، بهره‌گیری از دستاوردهای آن برای نگهداری دیگر لهجه‌های گویش به‌دینی است. این نوشتار به بررسی جایگاه گویش به‌دینی کرمانی از گذشته تا امروز، شماری از تفاوت‌های بین این گویش و گویش به‌دینی یزدی، چگونگی جای گرفتن این گویش کهن در زمره زبانهای «رو به نابودی» و پروژه‌هایی که برای نجات این گویش در دست انجام است می‌پردازد. این پژوهش نشان می‌دهد که همان‌گونه که زرتشتیان کرمان بنا به دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دگرگونی شیوه زندگی، گسترش رسانه‌های گروهی، کاهش ارزش و پایگاه اجتماعی گویش و کم شدن کاربرد آن در جامعه و خانواده زبان مادری خود را کنار گذاشته‌اند، باید امروز نیز همگی با دگرگونی در احساسات، نگرش‌ها و باورها نسبت به نقش، کاربرد و اهمیت پایگاه زبان مادری گام بردارند و مدرسه‌های زرتشتیان، کلاس‌های دینی، رسانه‌های گروهی، انجمن‌ها و سازمانهای زرتشتی، سیاستمداران و بزرگان جامعه و سازمانهای نگهبان میراث زبانی نقش بزرگی را در زنده کردن این گویش دارند.

واژه‌های کلیدی: حفظ زبان، زبان‌های در معرض خطر، زرتشتیان، ذری زرتشتی، گویش به‌دینان کرمان.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۰۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

armita60@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌های باستان ایران؛ پژوهشگر گروه پژوهشی یادگار باستان

۱. مقدمه

بنا به «نظریه زبان عمومی» که بنیان‌ها و مفاهیم آن مورد اتفاق نظر و اجماع جامعه زبان‌شناسی است. مفاهیم زبان، گویش، لهجه و گونه بدین صورت بیان می‌شود:

۱. زبان (Language): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل ندارند زبان‌اند.
۲. گویش (dialect): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین این دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی و واژگانی و یا دستوری مشاهده می‌شود، گویش‌های یک زبان‌اند.

۳. لهجه (accent): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه فقط تفاوت‌های آوایی (واجی) دیده می‌شود لهجه‌های یک زبان‌اند.

۴. گونه (variety): اصطلاحی است خنثی، که همچنان که در تعریف «زبان»، «گویش» و لهجه مشاهده می‌کنیم، می‌توان آن را به عنوان اطلاق کلی به کار برد. (دبیر مقدم، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

با توجه به اینکه نقش اصلی زبان‌ها و گویش‌ها، پل ارتباطی میان گویشوران است از این رو هیچ زبان و گویشی بر دیگری برتری ندارد، ولی گاه عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی سبب می‌شوند تا زبانی بر زبان دیگری برتری نسبی پیدا کند تا جایی که به کاهش کاربرد آن زبان دیگر و سرانجام نابودی آن بینجامد. بنا بر باور پژوهشگران، با مرگ هر زبان یک میراث فرهنگی با ارزش و همه وابستگی‌های ادبی و علمی آن را از دست خواهیم داد و منبع با ارزشی از آگاهی‌ها از دسترس نسل آینده دور می‌ماند.

جامعه‌شناسان بر این باورند که زبان موجودی زنده است که پس از به دنیا آمدن و گذراندن دوران خردسالی و بلوغ به مرحله مرگ می‌رسد. در روند دگرگونی زبان، گاه یک جامعه زبان خود را به سود زبان دیگری کنار می‌گذارد که این رخداد را «مرگ زبان» می‌نامند. در مقابل آن پدیده‌ای که جامعه تصمیم می‌گیرد تا زبان نیاکان خود را بکار برد «حفظ زبان» نامیده می‌شود.

گرایمز^۱ تقسیم‌بندی مراحل خطرپذیری زبان‌ها را بدین گونه بیان می‌کند:

- زبان‌های «در معرض خطر شدید»: زبان‌هایی هستند که دارای تعداد اندکی گویشور بالای هفتاد سال در بین والدین پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها باشد.

- زبان‌های «در معرض خطر جدی»: زبان‌هایی که گویشوران آنها بالای ۴۰ سال و یا در سن پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هستند.

- زبان‌های «در معرض خطر»: گویشوران این گونه زبان‌ها در سنین بالای ۲۰ سال و بیشتر میان سال هستند.

- زبان‌های «رویه زوال»: گویشوران آن‌ها افراد بزرگسال و بخشی از کودکان جامعه هستند، سایر کودکان به زبان دیگری صحبت می‌کنند.

- زبان‌های «پایدار اما در معرض تهدید»: همه افراد بزرگسال و کودکان به این زبان سخن می‌گویند اما تعداد آنها اندک است.

- زبانهای «سالم»: در معرض خطر نبوده و انتظار می‌رود که تمامی بچه‌ها و گروه‌های نژادی آن را بیاموزند. (به نقل از مدرسی، ۱۳۸۵: ۸۷ و ۸۸)

برای کارایی بیشتر پژوهش‌های زبانی پیش از هر چیز، باید جامعه زبانی را از هر نظر مورد بررسی قرار داد و بر اساس ویژگی‌های خاص آن جامعه عواملی را که بیشترین تأثیر را در روند زبان‌شناختی مورد نظر داشته‌اند مشخص کرد. در این پژوهش به بررسی جایگاه گویش بهدینی کرمانی از گذشته تا امروز با رویکرد اجتماعی- فرهنگی پرداخته‌ایم و کوشیده‌ایم تا نقش عوامل گوناگون در جایگزینی گویش بهدینان کرمان با زبان فارسی و میزان تأثیرگذاری این عامل‌ها را در بقا یا نابودی این گویش بررسی کنیم.

در این نوشتار کوشش شده تا افزون بر بررسی روند نابودی گویش بهدینان کرمان، راهکارهایی نیز برای نجات آن بیان کنیم و با برشمردن تلاش‌های انجام شده در این باره، به پایگاه اجتماعی این گویش و دورنمای آینده آن پردازیم و امید آن داریم که نتایج این پژوهش با همه کاستی‌هایش به عنوان نخستین گام در پژوهش‌های با رویکرد اجتماعی- فرهنگی درباره گویش بهدینان کرمان، بتواند آگاهی‌های سودمندی را در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد و بتوان از نتایج آن افزون بر گویش بهدینان کرمان، برای پیشگیری از رخدادهای مشابه درباره لهجه‌های گویش بهدینان یزد و دیگر گویش‌های در خطر بهره برد^۲

۱-۱. بیان مسئله

گویش بهدینان کرمان یکی از دو گویش زبان بهدینی است که دری زرتشتی نیز نامیده می‌شود. امروزه تنها چند بانوی کهنسال زرتشتی کرمانی می‌توانند با این گویش گفتگو کنند و از این رو، این گویش در زمره زبان‌های «در معرض خطر شدید» قرار می‌گیرد با توجه به اینکه شمار گویشوران گویش بهدینان کرمان، که به خوبی با آن سخن می‌گویند به دشواری به تعداد انگشتان دست می‌رسد، در برابر این پرسش‌ها قرار می‌گیریم که:

* اگر روزی فرا رسد که این چند نفر هم در میان ما نباشند، سرنوشت این گویش چه خواهد شد؟

* چه عواملی سبب شده تا این گویش به فراموشی سپرده شود؟

* تاکنون چه کارهایی برای نجات آن انجام شده است؟

* در نهایت چه راهکارهایی برای حفظ این گویش می‌توان اندیشید؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران ایرانی و خارجی درباره زبان بهدینان به ویژه گویش بهدینان یزد پژوهش‌هایی را بیشتر در زمینه گردآوری واژگان و تا اندازه‌ای دستور زبان انجام داده‌اند، ولی تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی نقش عوامل اجتماعی در روند دگرگونی‌های گویش بهدینان کرمان و چگونگی جایگزینی این گویش در بافت اجتماعی- فرهنگی انجام نشده است. ازجمله پژوهش‌هایی که درباره گویش بهدینان انجام شده را بدین ترتیب برمی‌شماریم:

* طرح پژوهشی **بررسی زبانشناسی گویش زرتشتیان کرمان**.

این طرح در معاونت پژوهشی دانشگاه شیراز به وسیله خانم دکتر کتایون نمیرانیان در سال ۱۳۸۷ انجام شده که در اختیار این جانب قرار نگرفت.

* قدردان، مهرداد. (۱۳۸۶). **بررسی زبان شناختی و دستوری گویش زرتشتیان شریف‌آباد اردکان یزد**، انتشارات رخسید.

در این کتاب گویش زرتشتیان شریف‌آباد اردکان یزد از دیدگاه زبان‌شناسی و دستوری بررسی شده است.

* اشیدری، مهربان. (۱۳۸۲). **فرهنگ واژه و زمان واژه‌های گویش زرتشتیان کرمان**. در این واژه‌نامه، واژه‌های گویش بهدینی کرمانی گردآوری و شماری از فعل‌های آن نیز از جهت صرف و نحو بررسی شده است.

* فیروز بخش، فرانک. (۱۳۷۷). **بررسی ساختمان دستوری گویش بهدینان شهر یزد**. تهران: انتشارات فروهر.

در این کتاب نویسنده به بررسی صرف و نحو لهجه محلی از گویش بهدینی یزدی پرداخته است.

* مزدپور، کتایون. (۱۳۷۴). **واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد، فارسی به گویش همراه با مثال**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

چاپ نخست (جلد ۱) این کتاب پاییز سال ۱۳۷۴ و جلد دوم آن چاپ ۱۳۸۵ است. که در آن دکتر مزدپور به جمع‌آوری واژه‌های گویش بهدینی یزدی لهجه «محلی» پرداخته است. پیشگفتار کتاب دربردارنده نام زبان و کتاب، لهجه‌های زبان دری زرتشتی و تفاوت گویش‌های زرتشتیان استان یزد، جایگاه تاریخی و جغرافیایی زبان، وام‌واژه‌های عربی، تنوع تاریخی واژه‌ها و ملاحظات در نحو زبان و صرف چند فعل است.

* **فرهنگ‌نامه گویش زرتشتیان استان یزد**

مجله فروهر سال ۱۳۶۲ در شماره‌های ۹ تا ۱۹، دربردارنده گویش زرتشتیان شهر یزد و قواعد دستوری آن و واژه‌نامه و نوشتارهایی با گویش زرتشتیان استان یزد و معادل فارسی

آنها، زیارتگاه‌های زرتشتیان در استان یزد و نام‌های ویژه مردان و زنان زرتشتی پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی به کوشش کیخسرو کشاورز است.

* ثمره، یدالله. (۱۳۵۵)، «پاره ای ویژگیهای دستوری گویش دری» (گونه زین آبادی). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۴. سال ۲۳.

در این نوشتار فعل، ضمیر، پسوندهای ملکی، نشانه‌های اضافه، جمع، نفی، تصغیر، صفت برتر و برترین در لهجه زین آبادی از گویش بهدینی یزدی بررسی شده است. * بزرگ‌چمی، پریراد. (۱۳۵۲)، **بررسی اسم در زبان دری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

رساله پریراد بزرگ‌چمی با عنوان بررسی اسم در زبان دری با راهنمایی دکتر یدالله ثمره است. در سال تحصیل ۵۳-۱۳۵۲ برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران نوشته شده و ساختمان آوایی اسم در زبان دری زرتشتی و ساختمان صرفی اسم و ساختمان آن از دیدگاه نحوی، بیان شده است.

* سروشیان، جمشید، (۱۳۳۵). **فرهنگ بهدینان**. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

این کتاب گردآوری روانشاد جمشید سروش سروشیان به کوشش منوچهر ستوده، ۲۵۱۵ (۱۳۳۵) است و در سال ۱۳۷۰ تجدید چاپ شده است. پیشگفتار کتاب از شادروان استاد پورداوود است و دربردارنده ۴۵۰۰ واژه گویش بهدینی یزدی و کرمانی است. برای جداسازی واژه‌های هر گویش «نشانه اختصاری» ک «برای گویش بهدینی کرمانی و» ی «برای گویش بهدینی یزدی به کار برده شده است. افزون بر این در آن نام‌های زرتشتیان، چند بیتی به لهجه زرتشتیان کرمان، زیارتگاه‌ها و اماکن متبرکه زرتشتیان، محل‌های همگانی زرتشتیان کرمان و آیین ازدواج زرتشتیان آمده است.

ایوانف (W.Ivanow) و هوتم - شیندلر (Houtum-Schindler) از پژوهشگران غیر ایرانی هستند که اولی کارهای ارزشمندی بر روی گویش زرتشتیان یزد دارد. و دومی بر روی گویش کرمانی کار کرده است.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

این روزها گسترش روبه‌رشد نابودی زبان‌ها به ویژه خاموشی زبان‌های بومی و اقلیت‌ها در سرتا سر دنیا بیش از گذشته، توجه زبان‌شناسان سراسر جهان را به سوی خود کشانده است. گرچه تغییر و نابودی تدریجی زبان‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است ولی کریستال^۳ درباره ارزش پژوهش و ثبت گویش‌ها و زبان‌ها این نکته را یادآوری می‌کند که اگر زبانی بی‌آنکه ثبت شده باشد بمیرد، در حکم آن است که آن زبان هرگز وجود نداشته است. یک زبان تنها هنگامی می‌میرد که آخرین گویشور آن بمیرد (به نقل از نرقی اوغار، ۱۳۸۶: ۹۹).

زبان‌ها بدون انسان‌ها وجود نخواهند داشت، به همین دلیل هنگامی که می‌گوییم زبانی مرده است، مثل این است که بگوییم انسانی مرده است.

با توجه به شمار بسیار کم گویشوران گویش بهدینی کرمانی، نیاز است تا برای حفظ این گویش کهن چاره‌ای اندیشیده شود؛ چراکه با نابودی گویش بهدینان کرمان، گنجینه‌ای ارزشمندی از تاریخ، ادب و فرهنگ که مربوط به بخشی از جامعه ایرانی است، از بین خواهد رفت و یک میراث فرهنگی ارزشمند و همه‌وابستگی‌های ادبی و علمی آن را به یکباره از دست خواهیم داد.

از آنجا که زبان یکی از مهمترین نهادهای جامعه‌های انسانی است و به منزله پدیده‌ای اجتماعی از دگرگونی‌های اجتماعی یک منطقه یا کشور تاثیرمی‌پذیرد و همسوی با آن پیش می‌رود، چنانچه اچسون^۴ می‌گوید: «مرگ زبان یک پدیده اجتماعی است که نیازهای اجتماعی به آن دامن می‌زند» (مدرسی، ۱۳۸۵: ۹۹)، نمی‌توان نقش مردم یا جامعه زبانی را در نگهداری یا نابودی آن را نادیده گرفت؛ بنابراین نیاز است تا پیش از هرچیز، جامعه زبانی گویش بهدینان کرمان و عواملی که بیشترین تأثیر را در روند زبان‌شناختی این گویش داشته‌است، از دیدگاه اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم تا افزون بر تلاش برای یافتن راهکاری برای نجات آن از این تجربه برای پیشگیری از رخدادهای مشابه نیز بهره گیریم.

۲. بحث و بررسی

شماری از پژوهشگران بر این باورند که زبان تنها یک وسیله ارتباطی است و گروهی هم باور دارند که انسان بدنبال برگزیدن بهترین‌هاست و از بین رفتن یک زبان را به دلیل برگزیدن زبان بهتر، به وسیله گویشوران می‌دانند، ولی امروزه زبان‌شناسان دلایل فراوانی در مورد نیاز به حفظ زبان‌ها بیان می‌کنند؛ از آن جمله ارزش زبان به عنوان وجود تنوع زبانی، ابزاری برای ابراز هویت، منبعی از آگاهی‌های تاریخی، بخشی از دانش بشری و موضوعی به خودی خود جالب را می‌توان نام برد.

۲-۱. گویش بهدینان ایران/ زبان بهدینی (دری زرتشتی)

بنا به باور کتایون مزداپور، گویش بهدینان یزد و کرمان بی‌گمان زبانی مستقل است، زیرا گویشوران این زبان به دلیل وجود لهجه‌های گوناگون، نمی‌توانند با سخنگویان دیگر زبان‌ها، از جمله فارسی به تفهیم و تفاهم پردازند و در شمار واج‌ها، واج‌آرایی، آواشناسی و نیز ساخت واژه و نحو با فارسی تفاوت دارد و از دیدگاه تاریخی هم در گروهی جدا از زبان فارسی قرار می‌گیرد (مزداپور، ۱۳۵۱: ۵).

زرتشتیان امروز زبان خود را دری (dari)، گوری (gavri) و گورونی (gavruni)، نیز می‌نامند که هیچ‌کدام از این دو نام برای این زبان پسندیده نیست؛ زیرا

«دری» نام یکی از زبان‌های رایج ایرانی در گذشته بوده است و امروزه هم زبان فارسی، دری نامیده می‌شود، ولی زرتشتیان به دلیل پیوستگی زبان خود با زبان فارسی آن را «دری» نامیده اند و از سویی واژه گور (gavr) و گور (gur) به معنی «مرد زرتشتی» و «زرتشتی» است. واژه «گبر» (gabra) از واژه‌های بسیار رایج است و در همه جا این لفظ «هزوارش» به جای «مرد» آمده است (سروشیان، ۱۳۳۵: ۱۵). ولی ممکن است این واژه با صورت عامیانه آن گبر (gabr) و «گور» (gur) که در آن توهین و تحقیری ناشایست است، اشتباه شود. پس بنا بر پیشنهاد شادروان استاد پوردادود برای کتاب «فرهنگ بهدینان» جمشید سروش سروشیان و کتیون مزدپور برای نام کتاب واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد نام «زبان بهدینی» را برای زبان زرتشتیان ایران به کار می‌بریم.

این زبان دارای دو گویش بهدینی کرمانی و گویش بهدینی یزدی است که هریک دارای لهجه‌های گوناگونی هستند. خوشبختانه گویش بهدینی یزدی و بسیاری از لهجه‌های آن هنوز در میان زرتشتیان یزد و روستاهای اطراف آن زنده است و به کار می‌رود، ولی گویش بهدینی کرمانی و لهجه‌های آن رو به فراموشی کامل رفته است.

۱-۱-۲. زبان بهدینی/گویش بهدینان کرمان

زبان و گویش مردم استان کرمان، فارسی با لهجه کرمانی است و زرتشتیان زبان ویژه خود را دارند، اگر چه متأسفانه این گویش به شدت در معرض خطر انزوال است و امروزه زرتشتیان کرمان به فارسی تکلم می‌کنند و تنها شمار بسیار کمی از سالمندان زرتشتی کرمانی وارث و پاسدار واپسین نشانه‌های یکی از گویش‌های زبانهای کهن ایرانی به نام گویش بهدینی (دری زرتشتی) کرمانی هستند. یهودیان کرمان نیز گویش ویژه خود را دارند که به گویش کلیمیان کرمان معروف است. شمار این گویشوران نیز بسیار کم است. در استان کرمان زبان‌های دیگری وجود دارند؛ به طور مثال در میان عشایر ترکی و در جنوب کرمان زبان بشاگردی (بشگردی یا بشاکردی) صحبت می‌شود.

در مورد طبقه‌بندی گویش بهدینی (دری زرتشتی) نظریات گوناگون وجود دارد. بسیاری پژوهشگران از جمله ویندفور (Windfuhr, 1989) آن را جزء گروه مرکزی زبان‌های ایرانی می‌دانند. به نظر وی گویش بهدینی از سایر گروه‌های گویشی نیز تأثیر پذیرفته و با آنکه مشابه گویش یهودیان یزد و کرمان است، ولی از آن متمایز است. ویندفور گویش‌های مرکزی ایران را هسته گویش‌های غربی می‌داند (اشمیت، ۱۳۸۳: ۴۸۵).

زبان‌های گروه مرکزی شامل گویش‌ها و زبان‌های رایج در ناحیه مرکزی ایران، اطراف شهرهای تفرش، قم، اصفهان، کاشان، نطنز و کرمان و یزد می‌شوند (Lecoq, 1989). این گویش‌ها را می‌توان به چهار گروه: ۱. گویش‌های شمال غربی؛ ۲. گویش‌های شمال شرقی؛ ۳. گویش‌های جنوب غربی؛ ۴. گویش‌های جنوب شرقی تقسیم کرد. به این مجموعه

می‌توان چند گویش انتقالی (در غرب، گویش‌های تفرش و در شرق گویش‌های کویر) را نیز اضافه کرد.

لوکوک (۱۹۸۹) گویش بهدینی را در کنار گویش‌هایی مانند: گویش کلیمیان یزد و کرمان در شمال یزد، گویش اردستانی، گویش نائینی و گویش فرعی آن، یعنی گویش انارکی و در بین اصفهان و نائین گویش زفره‌ای در شاخه گویش‌های جنوب شرقی قرار داده است (اشمیت، ۱۳۸۳: ۱۷ و ۵۱۸).

حسن دوست نیز این زبان را جزء شاخه جنوب شرقی گروه گویش‌های مرکزی یعنی گویش‌های اطراف یزد و کرمان می‌داند. وی بهدینی را در کنار گویش‌های اردستانی، انارکی، زفره‌ای، کجانی، نائینی، نهوجی، گویش یهودیان کرمان و یزد قرار داده است (حسن دوست، ۱۳۸۹: ۱۶). غلامی به تازگی در مقاله‌ای به شباهت‌های بی‌شمار دری با گروه زبان‌های شمال غربی اشاره می‌کند و معتقد است که این زبان به دلیل پیشینه تاریخی در گروه واحدی نمی‌گنجد و زبانیست که مرزهای همگویی از دو گروه جنوب غرب و شمال غرب را در خود دارد (Gholami, 2016).

نوشتارهای تاریخی (ن.ک: بویس، ۱۳۷۷: ۲۴۵-۲۴۴) و همچنین اسناد مختلف از جمله روایت‌ها (نامه‌هایی که بین زرتشتیان ایران و هند مبادله می‌شده است) و سفرنامه‌های گردشگران از مهاجرت زرتشتیان از شهرهای دیگر به یزد و کرمان نشانی دارد. این مهاجرت یک پدیده تدریجی بوده و در دوره‌های زمانی گوناگون از زمان حمله مغول رخ داده است و اسنادی هم وجود دارد که نشان می‌دهد که زرتشتیان کرمان اصلیت خراسانی داشته‌اند و این مهاجرت از خراسان به سیستان و سپس کرمان انجام شده است. برای فهرست این منابع و توضیحات بیشتر بنگرید به (Gholami, ۲۰۱۶). نخستین گزارشی که مسافران و سیاحان اروپایی به غرب آورده‌اند مربوط به زرتشتیان یزد و آتشکده شریف‌آباد بود. در سال ۱۶۰۹م، دیگر زرتشتیان ساکن شمال و شرق ایران، یعنی خراسان و سیستان، به کرمان نزد هم کیشان خود پناهنده شدند (ن.ک: مزدپور، ۱۳۸۲: ۵۵). افزون بر این داستان‌های شفاهی گوناگونی درباره مهاجرت واپسین گروه بهدینان به یزد و کرمان وجود دارد؛ مثلاً مشهور است که زرتشتیان خرمشاه و محمدآباد یزد از اصفهان آمده‌اند یا طایفه اجاقی کرمان مهاجران قزوینی‌اند (مزدپور، ۱۳۵۱: ۴۳). گمان می‌رود که بازماندگان زرتشتی هنگام مهاجرت به کرمان و یزد افزون بر گزینش زبان بومی منطقه که در برابر نفوذ زبان فارسی نزد اکثریت مسلمان رو به فراموشی می‌رفت عناصری از زبان‌های سرزمین خود را نیز به این زبان وام داده باشند و از این روست که شماری از واژه‌ها در گویش بهدینی کرمانی یا یزدی، به طور ویژه در همان شهر کاربرد داشته است و در دری زرتشتی نیست (همان ۴۴ و ۴۵).

گرچه این روزها در روستاهای اطراف کرمان زرتشتیان زندگی نمی‌کنند، ولی بنا به آماری که از زرتشتیان کرمان و پیرامون آن در سال ۱۲۶۸ یزدگردی در دست است (ن. ک: سروشیان، ۱۳۷۰: ۱۴۲). گمان می‌رود که گویش بهدینی کرمانی دارای لهجه‌هایی نیز بوده‌است که با گذشت زمان، به سبب تأثیر زبان فارسی یا گویش محلی مسلمانان، دچار تغییرات تدریجی فزاینده‌ای شده که آنها را به نابودی کشانده است.

۲-۱-۲. ویژگی و تفاوت‌های گویش بهدینی کرمانی و یزدی

چنانچه گفته شد، زرتشتیان ایران در طول دوره‌های تاریخی به ناچار به نقاطی در اطراف شهرهای کویری یزد و کرمان شتافته‌اند (ن. ک: مزدپور، ۱۳۸۲: ۵۹ تا ۵۱)؛ بنابراین برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد بسیاری از زرتشتیان امروز بازماندگان جماعت‌های گوناگون از مردم نواحی مختلف ایران هستند؛ پس وحدت زرتشتیان در زبان امری ثانویه است و انتظار می‌رود هر قوم عناصری از زبان اصلی و بومی خود را برای زبان بهدینی به ارمغان آورده باشد، زبان مردم هریک از این دو سرزمین نیز بر روی زبان بهدینی تأثیر متفاوتی گذاشته است (همان: ۴۴). از سویی دیگر از تأثیر عناصر تاریخی و فرهنگی متفاوت این دو شهر بر روی گویش بهدینی کرمانی و یزدی نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. چنانچه پوردادوود در مقدمه کتاب فرهنگ بهدینان نوشته‌است:

سرزمین‌های کرمان و یزد، هریک مانند بسیاری از سرزمین‌های دیگر ایران، دارای لهجه‌ای است و یا واژه‌های ویژه خود را دارد از این رو در هریک از دو لهجه زرتشتیان کرمان و یزد یک رشته واژه دیده می‌شود که در دیگری نیست، یا اینکه برخی از آنها در هر دو سرزمین یکی است، اما مردم کرمان به شیوه کرمانی و مردم یزد به شیوه یزدی بر زبان می‌رانند. (سروشیان، ۱۳۳۵: ۲)

تفاوت‌های دستوری، واژگانی، واجی، صرفی، نحوی بین گویش بهدینی کرمانی و یزدی به طور آشکار تفاوت‌های این دو گویش را نشان می‌دهد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:^۵

۲-۱-۲-۱. واژگانی

واژه‌های بسیاری در گویش بهدینی کرمانی با یزدی تفاوت دارند که آنها را در دو دسته وابسته به آداب و رسوم و غیر وابسته را در جدول‌های زیر می‌آوریم. شماری از واژه‌ها در گویش بهدینی کرمانی وابسته به آداب و رسوم زرتشتیان وجود دارد که در گویش بهدینی یزدی دیده نمی‌شود و یا به گونه متفاوت بیان می‌شود. در جدول زیر به نمونه‌هایی از این واژه‌ها اشاره شده است:

گویش بهدینی کرمانی	گویش بهدینی یزدی	فارسی
گمبارزرتشت gambâre zartost	-	آیین درگذشت اشو زرتشت در کرمان

۱۵۰ / بررسی نقش عوامل اجتماعی در نابودی گویش...

دو نو، dunu	-	خوراکی آیین‌های دینی ^۶
کلو kolu	-	نان و دو نو و سدو ویژه گهنبار ^۷
اندوم endum	-	اندام ^۸
شوچله مون šočelemun	چک و دوله čakodola	فال کوزه، از آیین‌های جشن تیرگان
سد sed	سوم sevom، سد sad	آیین پرسه ^۹
ارودارو arvedâru	هیدرو habdru، هفدرو hafdoro	جشن زایش اشو زرتشت
اشوداد ašudâd	جومه jume	پارچه سفیدی در آیین درگذشتگان می‌گذارند ^{۱۰}
یادبید yâdbid	یدداشت، yoddošt، یدبید yodbid	خوراکی که برای کسانی که در مراسمی نبوده اند می‌فرستند
سیرو siru	سیروگ sirog, surog	خمیر سرخ شده در روغن
سال sâl	سل sol	آیین روز مرگ در گذشته در هر سال
تیرو tiru	تیروباذ tirobâz	دستبند ۷ رنگ ^{۱۱}
نابر nâbor	نبر nabor	روزی که زرتشتیان گوشت نمی‌خورند
گواگیرون govâgirun	گووگیرون govowgirun	عقد، جشن عروسی
هماروونون hemârovun	همی‌رونون hameyrovononu	همه روانها

شماری دیگر از واژه‌های متفاوت در گویش بهدینی کرمانی با یزدی:

گویش بهدینی کرمانی	گویش بهدینی یزدی	فارسی
ز مچی zomči	هندی hendi	هندوانه
موچنه močene	موسه mowse	چنین، اینطور
سبه saba	سو sva	سگ
میو meyva	میو miva	میوه
اسپناچ espenâj	سونگ sevenog	اسفناج
نرکو narku	هکک hekog، هکینوگ hokinog	سکسه
همیر hemir، امیر emir	میر mir	خمیر
ور مهر vare- mehr	بری مهر bar-i-mehr	آتشکده
یاگه yâga	یوگه yogâ	جا-مکان ^{۱۲}
مامس mâmas	ممس memas	مادر بزرگ
بوگ baug	پدر peder	بابا-پدر
پورر poorer	پور poor	پسر
ازه eze	هزه heze	دیروز

اروس oros	هرس heros	خروس
به be	جی jī	هم همچنین
اون un	از az	از (حرف اضافه)
اون کویا unkoyâ	از کویی azkoyi	از کجا
وچه زاده vačazâda	وچه وچه vača vača	نوه
نانا nanâ	راکید rokid	نوع
وزیر wezir	مریض mariz	مریض
سختو soxtu	هشکمه haškomaba، گپو gepo	گپا، شکمه
تنیر tenir	ترین trin	تنور
سالار sâlâr	سلر solor	نگهبان دخمه، شبان، چوپان
کوچه لیز kawčaliz	کلویز kelaviz	ملاقه
پلگذار polgozâr	پلگذار polgozor	فرزند خوانده

۲-۲-۱-۲. تفاوت های واجی

آ(â) در پاره ای از واژه های بهدینی کرمانی به و(ṽ) یا ا(ō) در بهدینی یزدی تبدیل شده است

گویش بهدینی کرمانی	گویش بهدینی یزدی	فارسی
آپریگون âprigun	وپریگون voprigun	آفرینگان (یک آیین دینی)
آتش âteš	وتش veteš	آتش
آپر ینش âprineš	آپرینش oprineš	آفرینش

تبدیل ا(ō) در ابتدای پاره ای از واژه های بهدینی کرمانی به ه(h) در بهدینی یزدی

گویش بهدینی کرمانی	گویش بهدینی یزدی	فارسی
اُروس oros	هرس heros	خروس
اُتروت otrot	هتروت hotrot	خراب

(سروشیان، ۱۳۳۵: ۲۶ و ۲۷)

۲-۲-۱-۳. اسم

اسم در گویش های بهدینی کرمانی و یزدی جنس ندارد، دو شمار مفرد و جمع دارد و صرف نمی شود. نشانه جمع در دری کرمانی، آ (ā) و در یزدی -و، -و (un) -و -u است (غلامی، فرهمند، ۲۰۱۶).

مانند: کد keda در گویش بهدینی کرمانی و کد keza به معنی خانه که جمع آنها به ترتیب کدآ، kedâ و kezo کدُ به معنی خانه‌ها است.

شمار کمی از اسامی نیز از این قاعده پیروی نمی‌کنند مانند دت dot در گویش بهدینی یزدی و دتر doter در بهدینی کرمانی به معنی دختر که جمع آن می‌شود دتوگون dotogun به معنی دختران.

یکی دیگر از این تفاوت‌ها، وجود نشانه‌هایی نیز برای مشخص کردن حالت غیر فاعلی اسامی است. مانند:

وجود «ر» غیر فاعلی در برخی اسامی خویشاوندی در گویش بهدینی کرمانی است که در گویش بهدینی یزدی وجود ندارد؛ مانند واژه پُرر (porer) و پُر (por) در بهدینی کرمانی که به ترتیب به معنای «پسر» در حالت غیرفاعلی و فاعلی است، در مقایسه با واژه «پور» (po:r) در بهدینی یزدی که مانند فارسی تفاوتی در حالت فاعلی و غیرفاعلی ندارد. نشانه مصدر در بهدینی کرمانی «مون» mun است. در صورتی که در بهدینی یزدی «وون» vun است که پیش از آنها /t/ یا /d/ قرار دارد مانند:

گویش بهدینی کرمانی	گویش بهدینی یزدی	فارسی
دوادمون dovâdmun	داوادمون dâvodvun	دویدن
کرتمون kartmun	کرتوون kartvun	انجام دادن
پسندامون yosnâdmun	پسندوون yosnodvun	غم و غصه خوردن

(سروشیان، ۱۳۳۵: ۱۸۹، ۱۲۲، ۸۰)

۲-۱-۲-۳. تفاوت‌های صرفی:

الف. ضمایر شخصی

تفاوت‌هایی در ضمایر شخصی متصل و منفصل بین گویش بهدینی کرمانی و یزدی دیده می‌شود. از جمله ضمایر دوم شخص که به جای «ت» (ta) در یزدی، در کرمانی «ت» (to) به کار می‌رود و «ن» پایانی در ضمایر پیوسته جمع در گویش بهدینی یزدی حذف شده است. در نوع استفاده از ضمایر شخصی برای سوم شخص تفاوت‌های بیشتری وجود دارد.^{۱۳}

ب. ضمایر اشاره

ضمایر اشاره به دور در بهدینی کرمانی برای سوم شخص مفرد «وین» (vin) و سوم شخص جمع «ویا» (viyâ) است. ولی در بهدینی یزدی برای سوم شخص مفرد «این» (in) و «او» (u) و برای سوم شخص جمع و «ایه» (iye) به کار می‌رود.

ضمیر اشاره به نزدیک در بهدینی کرمانی «مین، م» min, mo «این» است ولی در بهدینی یزدی «م، می» mo, mi است و جمع آن در کرمانی «مییا» miya و در یزدی «مییه» miye است و ضمیر اشاره به دور در بهدینی کرمانی «وین» vin «آن» و در بهدینی یزدی «ا، او»، «اون» a, ūn است و صورت جمع آن «ویا» viyâ در کرمانی و در یزدی «ایه» iye است (غلامی، فرهمند، ۲۰۱۶).

۲-۲. گویش بهدینی کرمانی، رو به نابودی

کرمان یکی از مهمترین شهرهای زرتشتی نشین ایران است که تا چند نسل پیش از این بسیاری از زرتشتیان ساکن آن با گویش بهدینی کرمانی با یکدیگر گفتگو می کردند، ولی چندی است که این گویش به سرعت رو به فراموشی گذاشته است. برای آنکه جایگاه کنونی گویش بهدینی کرمانی را بشناسیم نخست باید به بررسی تعریف فرایندهای تغییر زبان از دیدگاه زبانشناسان و پژوهشگران پردازیم.

دگرگونی زبانها تحت تاثیر عوامل درون زبانی و برون زبانی از خصوصیات ذاتی هر زبان و گویشی است و همه زبانهای ایرانی نیز در گذر زمان دستخوش این دگرگونی شده اند. زبان یک موجود زنده است که پس از زایش و پشت سر گذاشتن دوران کودکی به رشد و بالندگی می رسد و ممکن است بنا به دلیل یا دلایلی، با گذراندن روندی از زوال تدریجی، رو به خاموشی رود و زبان دیگری جانشین آن شود به این فرایند «تغییر زبان» یا «تعویض» (language shift) گویند. تغییر زبان حالتی است که افراد یک جامعه دو زبانه یا چند زبانه از زبان بومی خود به نفع زبان دیگری دست بکشند که گاه از آن با عنوان «مرگ زبان» (language death) نیز یاد می شود. بدیهی است، مرگ یک زبان با مرگ آخرین گویشور آن زبان محقق می شود. زبان شناسان اصطلاحات معادل دیگری برای این پدیده ذکر می کنند که «حذف زبان» (extinction language) «انقراض زبان» (language loss) از جمله آنهاست. در برابر آن «بقا یا حفظ زبان» (language-maintainous) است که جامعه زبانی تصمیم به استفاده از زبان اجدادی خود می گیرد.

زبان شناسان در بررسی این پدیده تقسیم بندهای خاصی به عمل می آورند. آنان زبانی را که هیچ گویشور بومی ندارد، زبانی «مرده» (dead) یا «خاموش» (extinct) می نامند. زبانی که در میان نسل جوان و خردسالان هیچ گویشور بومی ندارد، زبانی «در حال احتضار» یا «رو به زوال» (moribund) نام می برند و در نهایت زبانی که گویشوران بومی آن بسیار اندک باشند، زبان «در معرض خطر» (imperiled endangered) نامیده می شود (بشیرنژاد، ۱۳۸۳: ۶۷ و ۶۸).

۲-۱-۲. دلایل نابودی گویش بهدینی کرمانی

در جوامع دو یا چندزبانه، تاثیر زبان‌ها بر یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است و در این میان، گاه این تأثیر به گونه‌ای است که فرد یا قومی به تدریج زبان مادری خود را رها می‌کند و تحت تأثیر عوامل و فشارهای درونی و بیرونی، زبان دیگری را برای ارتباط با دیگران به کار می‌برد. اگر زبان مادری در همه حوزه‌ها، از جمله مدرسه، اداره و محله کم‌کم کاربرد خود را از دست بدهد، زبان غالب که زبان مادری افراد آن جامعه نیست جای آن را می‌گیرد و پس از این جایگزینی در تمام حوزه‌ها، نوبت به خانه و خانواده می‌رسد و اگر زبانی در این حوزه هم اقتدار خود را از دست بدهد پدیده تغییر زبان رخ می‌دهد (ایمانی، ۱۳۸۹: ۳۸).

دو زبانگی یکی از شرایط مهم تغییر زبان است. وجود زبان فارسی را در کنار زبان بهدینی، می‌توان یکی از عوامل کنار گذاشته شدن گویش بهدینی کرمانی دانست؛ ولی نمونه‌هایی از وجود دو زبان در کنار یکدیگر بدون ایجاد تغییر زبانی، بیان‌کننده این است که این شرط کافی نیست و عوامل دیگری در کنار آن برای ایجاد این دگرگونی لازم است که می‌توان از تغییر در ارزش‌ها، آداب و سنت‌ها، با پدید آمدن زندگی شهرنشینی نام برد. چنانچه گویش بهدینی یزدی در مقایسه با گونه کرمانی با آنکه شرایط دو زبانگی را داشته، ولی کمتر تحت تاثیر فارسی قرار گرفته است و لهجه‌های روستایی آن دست نخورده تر حفظ شده‌است.

با توجه به اینکه هنگام برخورد دو زبان، اهمیت، کاربرد و نقش‌های آن دو می‌تواند در حفظ یا تغییر زبان موثر باشد، طبیعی است که یک گویش مانند گویش بهدینی کرمانی که تنها نقش برقراری ارتباط میان افراد یک گروه کوچک را بر دوش داشته، در برابر یک زبان اصلی، رسمی و آموزشی که از کاربردهای وسیع آثار ادبی و هنری غنی برخوردار است، شانس کمتری برای بقا دارد.

یکی دیگر از دلایل کنار گذاشتن گویش بهدینی کرمانی افزون بر شمار کم گویشوران آن، برگزیدن زندگی شهرنشینی و علاقه فراوان زرتشتیان کرمان به سوادآموزی بوده‌است. چنانچه می‌دانیم تا پیش از زمان ناصرالدین شاه زرتشتیان از داشتن آموزشگاه و دبستان محروم بودند، در آن زمان مانکجی صاحب با کوشش‌های فراوان توانست پروانه بنیاد آموزشگاه و مدارس را در یزد، کرمان و تهران از شاه قاجار بگیرد و پس از او کیخسرو شاهرخ، نخستین مدرسه دخترانه و چندین مدرسه در بیرون دروازه ناصریه، در محله شهر، در محله فرمودن، قناتغستان، اسمعیل‌آباد، جوپار و مدرسه بزرگ ملی و دبیرستان ملی زرتشتیان (ایران‌شهر) را گرفت و زرتشتیان کرمان با به وجود آمدن شرایط مناسب به سوی تأسیس نخستین مدرسه‌ها در کرمان گام نهادند که نشان دهنده اشتیاق اینان به علم‌آموزی بوده‌است (سروشیان، ۱۳۷۰: ۷)؛ ولی از آنجا که زبان آموزشی مدرسه‌ها زبان بهدینی نبود

این گویش اعتبار خود را در سطح اجتماع بیش از پیش از دست می‌داد و این خود عاملی شد تا روند نابودی گویش بهدینی کرمانی شتاب بگیرد. با باسواد شدن زنان و مردان زرتشتی کرمان کم‌کم شغل‌های سنتی چون کشاورزی کنار گذاشته شد و با کار کردن در اداره‌ها و مدرسه‌ها گویش بهدینی کمتر به کار برده شد و این گویشوران برای به‌دست آوردن موقعیت اجتماعی مناسب‌تر در صدد یادگیری زبان فارسی و آموزش آن به فرزندان‌شان برآمدند. در آن هنگام زرتشتیان کرمان توانستند در زمینه‌های آموزشی، درمانی، ورزشی، کشاورزی، بازرگانی در کرمان پیشگام باشند؛ ولی هرچه این پیشرفت‌ها گسترش می‌یافت شوربختانه روزه‌روز از اعتبار گویش بهدینی در سطح اجتماع کاسته می‌شد، تا آنجا که به‌جز در سطح خانواده دیگر کاربردی نداشت. گمان می‌بریم که در شرایطی زرتشتیان کرمان ناچار شدند بین زبان و فرهنگ سنتی خود و مشارکت در یک جهان وسیع‌تر یکی را برگزینند و به سوی زبان فارسی که زبان رسمی و آموزشی بود روی آوردند که پژوهشگران از این رخداد با نام «خودکشی زبان» (دنسون، ۱۹۹۷: ۲۱) نیز نام می‌برند.

بنا به طبقه‌بندی فرگوسن^{۱۴} یکی از نقش‌های زبان، نقش زبان در امور مذهبی است (به نقل از مدرسی، ۱۳۸۵: ۹۳). نقش زبان در امور دینی یکی از مهمترین عواملی است که در ماندگاری زبان تأثیر دارد. پس چگونه است که زبان بهدینی با آنکه زبان یک جامعه دینی است به این سرعت در معرض نابودی قرار گرفته است؟

می‌دانیم که زبان اوستا و زبان نیایش‌های دینی زرتشتیان زبان اوستایی و نوشتارهای زرتشتی در دوره ساسانی و نیز زند اوستا به زبان پهلوی ساسانی یا فارسی میانه به نگارش درآمده‌اند. گرچه گویش بهدینان نزدیکی بیشتری با زبان اوستایی دارد، اما نمی‌توان آن را فرزند مستقیم زبان اوستایی دانست و در واقع گویش بهدینان با هیچ‌یک از زبان‌های اوستایی و فارسی میانه که زرتشتیان در دوره‌های مختلف متون دینی و مقدس خود را بدان می‌نوشتند، رابطه‌ای ندارد؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اختصاص داشتن زبان بهدینی به این گروه دینی احتمالاً دلایل تاریخی و جغرافیایی دارد.

افزون بر این، با توجه به اینکه زبان نیایش‌هایی که در کتاب‌های سنتی خرده اوستا است هیچ‌یک به زبان بهدینی نیست و تنها «اندرز گواه‌گیران»، «مقدمه‌ای بر پت ایرانی» و دعایی به نام «استامه جهت و دردگان» به زبان بهدینی قدیمی‌تر در کتاب خرده اوستا وجود دارد. (برای آگاهی بیشتر، ن.ک: مزدپور، ۱۳۵۱: ۲۲ و ۲۳) می‌توانیم بیان کنیم که زبان بهدینی در مراسم آیینی کاربرد چندانی ندارد از این رو نقش زبان در انجام مراسم دینی هم نتوانسته تأثیری در بقای گویش بهدینی کرمانی داشته باشد.

زبان‌ها برای ایجاد ارتباط میان گویشوران از ابزارهای گفتار، شنیدار، خواندن و نوشتار بهره می‌برند که دو ابزار نخست در همه زبان‌ها وجود دارد ولی گویش بهدینی هم مانند بسیاری از زبان‌های دیگر از موارد سوم و چهارم بی‌بهره است؛ چنانچه به روشنی می‌توان بیان کرد که زرتشتیان گرچه به زبان بهدینی سخن می‌گفته‌اند ولی سنت کتابت و نگارش آثار دینی آنها به زبان فارسی میانه و پهلوی ساسانی بوده است و موبدانی که سینه به سینه علم دین می‌آموخته‌اند، همه آثار مکتوب زرتشتی را به خط و زبان رسمی فارسی میانه و فارسی زرتشتی می‌نوشته‌اند؛ بنابراین زبان بهدینی نزد زرتشتیان جنبه رسمی برای کتابت نداشته و برای نگارش، زبان فارسی میانه و همچنین گونه‌ای از فارسی دری، موسوم به فارسی زرتشتی، یا گویش زنده دیگری به کار می‌رفته است (مزدآپور، ۱۳۵۱: ۵)؛ از این رو، یکی دیگر از دلایل زوال زبان بهدینی کتابت نشدن آن است.

جمعیت کم زرتشتیان در کرمان نیز یکی دیگر از دلایل مرگ زود هنگام گویش دری بهدینی است. بنا بر تقسیم بندی فرگوسن زبان‌ها از لحاظ اعتبار و موقعیت‌شان به دو دسته «اصلی» و «فرعی» تقسیم می‌شوند و زبانی که گویشوران آن ۲۵ درصد از افراد جامعه باشد، یا زبان رسمی کشور بوده، و یا زبان آموزشی بیش از نیمی از افراد جامعه باشند در دسته زبان‌های اصلی قرار می‌گیرد (مدرسی، ۱۳۸۵: ۹۲). با این طبقه‌بندی گویش بهدینی کرمانی در گروه زبانهای فرعی قرار دارد که همین امر از اعتبار این زبان در برابر زبان فارسی می‌کاهد و نگهداری از آن را بسیار دشوارتر می‌سازد.

نقش آثار ادبی و به‌ویژه شعر در حفظ و پویایی زبان‌ها یکی از مهمترین عوامل بقای زبان‌هاست؛ چنانکه روانشاد حق‌شناس نیز بر این امر تأکید کرده است: «زبان هر مردمی راز بقای آن مردم و نگهبان وحدت ملی آن مردم است. این البته درست است؛ اما این نیز درست است که راز بقای هر زبانی هم شعر آن زبان است و هرزبانی آنگاه می‌میرد که آخرین شاعرش مرده باشد» (حق‌شناس، ۱۳۷۸: ۳۷). باتوجه با اینکه این روزها شعری با گویش بهدینی کرمانی که در کوچه و بازار و میان تک‌تک گویشوران آن جاری باشد شنیده نمی‌شود، این کاستی را نیز یکی از مهمترین دلایل نابودی گویش بهدینی کرمانی از دیدگاه اجتماعی برمی‌شمیریم.

خلق و خوی مردم کرمان برخلاف طبیعت ناسازگار محیط زیست‌شان که آنان را وادار به سخت‌کوشی و تلاش فراوان برای زیستن می‌کند، بسیار آرام و به دور از تعصب و سخت‌گیری است (ن.ک: کیخسرو شاه‌رخ، ۱۳۵۵: پیشگفتار) و همین روحیه سبب شده تا زرتشتیان کرمان هم تعصب کمتری نسبت به دیگر همکیشان خود داشته باشند. این روحیه خود می‌تواند یکی از دلایل کنار گذاشتن گویش بهدینی کرمانی باشد.

در گذشته، تنها زنان و دختران زرتشتی کرمان، با گویش بهدینی کرمانی سخن می گفتند و مردان زرتشتی کرمانی آن را به کار نمی بردند (اشیدری، ۱۳۸۲: ۸). این که نیمی از جامعه دوستدار سخن گفتن با این گویش نبودند، می تواند دلیلی برای کاهش شمار گویشوران و بدنبال آن روند نابودی زود هنگام آن باشد.

امروزه مردم از به کار بردن این زبان خودداری می کنند، برای اینکه گویشور دیگری را نمی یابند تا با گویش بهدینی کرمانی با او گفتگو کنند.

دگرگونی های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تغییر شیوه زندگی، گسترش ارتباط جمعی و رسانه های گروهی، پایین آمدن ارزش و پایگاه اجتماعی این زبان در مقابل زبان فارسی، کم شدن کاربرد گویش بهدینی را در حوزه های گوناگون سبب شده است.

۲-۳. نگهداری و پاسداشت گویش بهدینان کرمان

در چند نسل گذشته، به سبب گرایش گویشوران گویش بهدینی، به زبان فارسی، در نتیجه برخی تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، هر روزه شاهد کاهش تعداد گویشوران این زبان و میزان کاربرد آن در حوزه های مختلف بوده ایم تا بدان جا که نسل میانسال زرتشتیان کرمان سخن گفتن به زبان بهدینی را فرا نگرفته و در نتیجه نتوانسته اند آن را به فرزندان خود یاد دهند. با ادامه این روند، بی تردید این گویش کهن را برای همیشه از دست خواهیم داد. با توجه به وضعیت ناگوار این گویش که بنا بر معیارهای زبان شناسی در زمره گویش های مرده است و از آنجا که خویشکاری نگهداری زبانها بر دوش گویشوران آن است به تازگی دو پروژه برای پاسداشت و نگهداری از گویش بهدینی کرمانی آغاز شده است که در ادامه به توضیح هر یک از آنها می پردازیم:

۱. پروژه «آموزش و پاسداری از گویش بهدینی کرمانی» در سال ۱۳۹۱ توسط آرمیتا فرهمند ارائه و در گردهمایی انجمن های زرتشتیان سراسر کشور با آرمان زنده کردن دوباره این گویش به تصویب رسید.

هدف این پروژه آن بود که افزون بر مطالعات علمی، گردآوری، ضبط واره ها، ترکیبات و اصطلاحات گویش بهدینی کرمانی تلاش شود پس از آماده کردن کتاب های آموزشی با بهره بردن از روش های آموزشی نوین نسبت به آموزش این گویش اقدام شود تا در آینده این گویش بتواند جایگاه خود را باز یابد. در این راستا نیاز است نخست در نگرش ها و باورهای گویشوران با ارائه آگاهی های درست درباره نقش و کاربرد و جایگاه واقعی گویش بهدینی کرمانی نسبت به نقش، کاربرد، اهمیت و اعتبار آن دگرگونی به وجود بیاید و برای گسترش کاربرد این گویش در حوزه های گوناگون کوشش شود.^{۱۵}

در گام نخست این پروژه شناسایی گویشوران در شهرهای کرمان و تهران انجام شد که بنابر آماري که در سال ۱۳۹۱ گرفته شد ۶ گویشور در کرمان شناسایی شدند .

در ادامه پس از جمع آوری آگاهی‌های علمی مورد نیاز، گردآوری و ضبط واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات گویش بهدینی کرمانی آغاز شد.

در راستای آموزش این گویش با استفاده از روش‌های آموزشی نوین، نیاز بود نخست منابع آموزشی آماده شود. از این رو کتاب آموزشی با نام «دری زرتشتی (بهدینی) در کرمان» توسط سالومه غلامی و آرمیتا فرهنگد تألیف و در بارسلونا در مجموعه پروفیسور کانترادرسال ۲۰۱۶ به چاپ رسید.

این خودآموز به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده است. دلیل دو زبانه بودن آن، این است که افزون بر شماری از پژوهشگران غیر ایرانی که تمایل به استفاده از این خودآموز داشتند، زرتشتیان خارج از کشور نیز بتوانند از آن بهره ببرند.

این خودآموز ۷ درس دارد. دلیل انتخاب هفت درس، تقدس عدد هفت نزد ایرانیان باستان و زرتشتیان است. درسهای یک تا شش ساختاری مشابه دارند و هر درس شامل چهار بخش کلی است.

بخش نخست هر درس، درک مطلب است که به صورت‌های گوناگون در هر درس آورده شده است. در درس‌های ۱، ۲ و ۵، درک مطلب به صورت یک مکالمه دو نفره است. در درسهای ۳، ۴ و ۶ درک مطلب به صورت متنی توصیفی در ارتباط با یک موضوع یا تصویر آمده است.

بخش دوم هر درس پس از درک مطلب «واژه» است که خواننده را با واژگان پایه و ضروری در ارتباط با موضوع هر درس آشنا می‌کند.

بخش سوم هر درس اختصاص به دستور زبان دارد. در این بخش کوشش شده است ویژگی‌های کلی دستوری در زمینه‌های صرف و نحو در دری زرتشتی کرمانی بیان شود. در کنار این موارد در بسیاری از بخش‌ها به منظور آشنایی بیشتر خواننده با دیگر گویش‌های دری زرتشتی، مقایسه‌ای با گویش‌های یزدی نیز صورت گرفته است. به‌ویژه در مواردی که کرمانی و یزدی با هم متفاوت هستند کوشش شده که این تفاوت‌ها ذکر شوند.

بخش چهارم هر درس بخش شنیداری است. در این بخش خواننده کتاب باید به سی‌دی همراه کتاب مراجعه کند (نکته دارای اهمیت در مورد این سی‌دی این است که آخرین نمونه‌های شنیداری اصیل از گویشوران باقیمانده دری کرمانی را منعکس می‌کند).

بخش پنجم از هر درس "تمرین" است. دو بخش مشترک در تمرین‌های همه درس‌ها وجود دارد: بخش اول "به دری چه می‌شود" و بخش دوم "جای خالی را پر کن". در بخش "جای خالی را پر کن" دو نکته مورد توجه قرار گرفته است: ۱. کاربرد صحیح واژگان. ۲. کاربرد صحیح حالت‌های دستوری.

ساختار درس هفتم کاملاً متفاوت است. این درس به ارائه نمونه‌های متنی از دری زرتشتی می‌پردازد. در این بخش کوشش شده است که کاربران، در کنار یادگیری واژگان، اصطلاحات و دستور زبان، با وجوه دیگری از فرهنگ زرتشتی آشنا شوند. در این بخش، متون خاصی انتخاب شده که آگاهی‌های با ارزشی به کاربران در ارتباط با موضوع‌های دینی، تاریخی و آیینی مانند مراسم "پنجه"، "گهنبار"، "جشن سده"، "ارودارو" جشن زایش اشو زرتشت و یک مکان تاریخی و زیارتی نزدیک کرمان به نام "باب کمال" می‌دهد. آوانویسی در این کتاب به دو صورت فارسی و لاتین انجام شده است. سیستم آوانویسی لاتین به کار رفته، سیستم Deutsche Morgenländische Gesellschaft (DMG) است.

پروژه آموزشی فراگیری گویش دری زرتشتی بستگی به سن ندارد، اما بر پایه درجرات از ضعیف تا قوی درجه بندی شده است. این طرح آموزشی و هدف‌های آن در جهت ساختن صلاحیت و شایستگی زبان در سطح‌های گوناگون مطابق با چهار چوب آموزش زبان پایه گذاری شده است.

تأکید اجرای این برنامه آموزشی در آغاز برای نونهالان، خانواده‌ها، به‌ویژه بانوان، مادران و دختران جوان که به عنوان مادران آینده نقش مهمی را در زبان آموزی فرزندان بر دوش دارند است.

۲. پروژه دوم با نام «طرح ثبت گویش دری زرتشتیان کرمان» به سرپرستی سالومه غلامی، استاد و پژوهشگر دپارتمان زبان شناسی تطبیقی دانشگاه فرانکفورت برای مدت دو سال (۲۰۱۳-۲۰۱۵) با پشتیبانی،^۱ELDP و SOAS دانشگاه لندن با همکاری آرمیتا فرهمند و مینو مهربانی به تصویب رسیده است. هدف از این پروژه ضبط زبان بهدینی کرمانی برای تهیه منابع زبانی و پیاده کرده این منابع بر روی نرم افزارهای نوین مانند El an, Tool box, Flex, به منظور آوانویسی و ترجمه و تحلیل زبان شناسی گویش بهدینی کرمانی است. قرار است در پایان این پروژه پس از پیاده کردن مواد ضبط شده، حاشیه نویسی با ELAN، حاشیه نویسی دستوری با FLEX، تهیه META DATA در ARBI L و انتشار در وبگاه ELDP، کتابی نیز شامل دستور زبان، متون به همراه بررسی‌های دستوری و ترجمه و واژه‌نامه گویش بهدینی کرمانی از این منابع تهیه شود.

در پایان سال میلادی ۲۰۱۴، گزارش سال نخست این پروژه و در کنار آن مواد زبانی به همراه آوانویسی، ترجمه، آنالیز دستوری و اطلاعات جانبی فرهنگی، تاریخی و مردم شناسی و فیلم‌هایی شامل موارد جانبی مانند مراسم مذهبی و آیینی خاص و اماکن تاریخی و مذهبی زرتشتیان در کرمان به آرشیو فرستاده شد.

مجموعه موارد ذکر شده بزودی در سایت زیر منتشر خواهد شد:

<http://www.elar-archive.org/index.php>

۳. نتیجه‌گیری

دگرگونی زبان نتیجه حرکت گروهی و دراز مدت مردم یک جامعه زبانی به سوی برگزیدن و کاربرد زبان است که خود تحت تأثیر نگرش‌های زبانی مردم است و دگرگونی زبان بی‌آنکه در نگرش‌های گویشوران دگرگونی به وجود بیاید امکان پذیر نیست. عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، نگرش منفی نسبت به زبان‌های کم اعتبار را تقویت می‌کند و این راه را برای کاربرد زبان‌های معتبر هموار می‌کند نتیجه این فرایند مرگ زبان سنتی گروه اقلیت است. شوربختانه گویش بهدینان کرمان هم دچار این رخداد ناگوار شده است.

از این رو، هرگونه کاری به سوی دگرگونی وضع موجود باید به صورت گروهی، مداوم، دراز مدت و به سوی ایجاد دگرگونی در احساسات، نگرش‌ها و باورهای افراد نسبت به نقش، کاربرد، اهمیت و اعتبار زبان باشد و رسیدن به این امر از دو راه ممکن است: نخست گسترش و کاربرد گویش بهدینان کرمان در موقعیت‌ها و حوزه‌هایی که می‌تواند و باید به کار گرفته شود و دوم، آگاهی بخشی به گویشوران از راه دادن آگاهی‌های درست درباره نقش، کاربرد و جایگاه راستین زبان و زدودن باورها و برداشت‌های نادرستی که در این باره وجود دارد.

مدرسه و کلاس‌های دینی مهمترین حوزه‌ای است که به کارگیری گویش بهدینی در آن می‌تواند در ارزیابی گویشوران از موقعیت و جایگاه آن موثر باشد و موجب رواج کاربرد آن در دیگر حوزه‌ها و از جمله خانواده شود. در این باره پیش از هر چیز لازم است مسئولان آموزشگاهها و کلاسهای دینی (کمسیونهای دینی - فرهنگی، کارگروه دینی و انجمن‌های زرتشتیان) این مسئله را به روشنی برای مدیران، آموزگاران و دانش‌آموزان بیان کنند که بهره بردن از گویشهای بهدینی به عنوان زبان مادری آنها در محیط مدرسه و حتی کلاس درس حق اولیه و طبیعی آنهاست و از نظر قوانین رسمی کشور نیز منعی برای این کار بنا به اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود ندارد و با وضع موجود، اکنون زمان آن فرا رسیده است که مسئولان، رسانه های گروهی، نویسندگان و پژوهشگران به جای پرداختن به توصیف ساختمان و واژگان زبان‌ها و گویش‌ها و یا تاریخ و پیشینه آنها، به مسئله مهمتر، یعنی تقویت جایگاه زبان‌ها و کمک به ادامه زندگی آنها توجه نشان دهند و همه تلاش‌ها باید در جهت دادن آگاهی‌های درست به مردم باشد. هنگامی شاهد رشد و شکوفایی زبان و رواج آن خواهیم بود که مردم درک و شناخت درستی از نقش‌ها و کارکرد های زبان داشته باشند و مسلماً هر برنامه‌ای در این جهت که از جنبه تحمیلی برخوردار باشد، موفقیتی نخواهد داشت. از این رو به هر وسیله ممکن باید این مفهوم را برای مردم روشن ساخت که نقش اولیه زبان برقراری ارتباط بین گویشوران است و هر زبانی، جدای از جایگاه و اعتبارش به خوبی از عهده این کار بر می‌آید. گویشوران باید به این درجه از درک و شناخت برسند که استفاده از این زبان مایه خجالت و شرمندگی و نشانه عقب ماندگی نیست و در مقابل صحبت کردن به زبان فارسی

نمی‌تواند به تنهایی مایه افتخار و نشان از تمدن و فرهیختگی باشد و باید احساس کنند که حفظ و حراست از زبان آبا و اجدادی به عنوان میراث گذشتگان این سرزمین ارزشمند و برهمگان واجب است، زیرا زبان هر ملت با فرهنگ، آداب، رسوم، باورها و ارزش‌های گذشته و امروز او گره خورده است.

از این رو نیاز است تا سیاستمداران، برنامه ریزان و سازمانهای نگهبان میراث زبانی کشور با همکاری انجمن‌ها و مسئولان نهادهای زرتشتی بکوشند تا با در نظر گرفتن گویش بهدینی به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه با بوجود آوردن نگرش درست نسب به آن و افزایش اعتبار اجتماعی گویش بهدینان کرمان در درون و بیرون جامعه و با بیان نمونه‌های موفق در احیا و حفظ زبان، خانواده‌ها را تشویق کنند تا دوباره با این گویش گفتگو کنند و با توجه به اینکه واژه‌های گویش بهدینی گنجینه‌های ارزشمند فرهنگ و ضامن بقا، همدلی و همبستگی ماست و نگهداری از زبان آبا و اجدادی به عنوان میراث گذشتگان بر همگان واجب است. نیاز است با تشکیل گردهمایی‌های علمی با استادان، دانشمندان، کارشناسان بر وظیفه زبان‌شناسان و علاقه‌مندان در گردآوری، ثبت و ضبط و پژوهش‌های توصیفی و میدانی این گویش تاکید شود.

امید است نتایج این پژوهش بتواند افزون بر برداشتن گام‌هایی استوار در راه زنده کردن گویش بهدینی کرمانی، با شناساندن جایگاه ارزشمند زبان بهدینی و بهره بردن از تجربه‌های آن، گامی در راه نگهداری گویش بهدینی یزدی و لهجه‌های شیرین آن نیز برداشته شود تا بار دیگر شاهد این رخداد ناگوار نباشیم.

پیشنهادهای:

* بیشتر پژوهشگران به هنگام گزارش پژوهش‌هایشان درباره زبان‌های ایرانی، بنا بر حقایق و شرایط موجود راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی برای کمک به نگهداری و بقای این زبان‌ها بیان کرده‌اند که هر یک جای اندیشیدن دارد. این کارها اگرچه در کوتاه مدت چندان اثربخش نیستند، ولی در بلندمدت می‌توانند در دگرگونی نگرش‌ها و در نهایت آموزش این زبان‌ها و افزایش کاربرد آن‌ها اثربخش باشند.

* با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و شرایط ناخوشایندی که اکنون این گویش در آن به سر می‌برد و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های پژوهشگران در ادامه راهکارهایی برای کمک به نگهداری و بقای این گویش بیان می‌شود.

* در ایجاد انگیزه و نگرش‌های مثبت، علاقه و دلبستگی ژرف نسبت به گویش بهدینی با آرمان ایجاد اراده گروهی برای نگهداری این گویش کهن تلاش شود.

* سخن‌گویان با این واقعیت که زبان‌شان در حال نابودی است روبه‌رو شوند و احساس کنند که حفظ و نگهداری از زبان نیاکان به عنوان میراث گذشتگان این سرزمین، ارزشمند و برهمگان واجب است و دلایل محکمی برای یادگیری گویش به مردم نشان داده شود.

- * مردم به این آگاهی برسند که بهره‌بردن از این گویش برای خود و فرزندانشان فایده دارد و خانواده‌ها تشویق شوند که با کودکان به گویش بهدینی گفتگو کنند.
- * گویشورانی را که هنوز می‌توانند با این گویش گفتگو کنند تشویق شوند.
- * کتاب‌ها و روش‌های آموزشی زبان‌آموزی تهیه شود.
- * از این گویش در نظام آموزشی و آموزش‌های دینی به طور جدی بهره‌برده شود.
- * پشتیبانی مادی و معنوی سازمان‌هایی که وظیفه حفظ میراث زبانی کشور را برعهده دارند با همراهی انجمن‌ها و نهادهای جامعه زرتشتی از این گویش.
- * افزون بر زنده‌کردن شعرهای قدیمی، شعرهای تازه‌ای نیز به گویش بهدینی کرمانی سروده شود.
- * بر وظیفه زبان‌شناسان و دست‌آوردان در گردآوری، ثبت و ضبط گویش‌ها و پژوهش‌های توصیفی و میدانی تأکید شود.
- * در راه دستیابی به فنآوری‌های نو و بهره‌بردن از روش‌ها و نرم افزارهای نوین کوشش شود.
- * تلاش شود تا اعتبار، سرمایه، قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سخن‌گویان افزایش یابد.
- * مسئولان، دست‌اندرکاران آموزش‌های دینی و مدرسه‌های زرتشتیان، دست‌اندرکاران کارهای فرهنگی، رسانه‌ها، افراد تحصیلکرده، شخصیت‌های معتبر و صاحب نفوذ و مورد علاقه مردم نظیر پزشکان، استادان، هنرمندان، ورزشکاران و پژوهشگران و نویسندگان به‌ویژه زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان و پدر و مادرها هرکدام می‌توانند سهم مهمی در جان بخشی به این گویش داشته باشند.
- * به‌کاربردن این گویش از سوی افراد مورد علاقه مردم، نمایندگان مجلس، بزرگان جامعه، افراد صاحب نفوذ در موقعیت‌های گوناگون مانند دیدار با مردم، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های مطبوعاتی می‌تواند نقش بسزایی در تغییر نگرش‌های مردم و ترغیب آنها به استفاده از این گویش داشته باشد.

یادداشت‌ها

۱. Barbara F. Grimes

۲. در اینجا لازم می‌دانم که از خانم‌ها دکتر سالومه غلامی و دکتر فرزانه گشتاسب برای راهنمایی‌های علمی ارزشمندشان و آقایان دکتر اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی و موبد پدرام سروشپور برای همراهی و پشتیبانی در اجرای این پژوهش سپاسگزاری کنم.

۳. David, Cristal

۴. Aitchson, Jean

۵. واژه‌هایی که در این بخش از گویش بهدینی کرمانی برای نمونه آورده شده‌است، هنوز هم ما در کرمان به کار می‌بریم و با استفاده از فرهنگ بهدینان (سروشیان، ۱۳۳۵) از واژه‌های لهجه محلی یزدی که به آن نزدیکتر است برای مقایسه استفاده شده‌است.
۶. خوراکی که با حبوبات پخته می‌شود و در آیین‌های دینی استفاده می‌شود.
۷. امروزه نانی را که در آن گوشت بریان سبزی، ترب می‌گذارند، کولو می‌نامند.
۸. بخش‌هایی از اندام گوسفند که در آیینهای دینی مانند مهر ایزد می‌پزند و به سگ می‌دهند.
۹. آیین پرسه که پسین روز سوم در گذشته برگزار می‌شود.
۱۰. پارچه سفیدی که در مراسم آمرزش روان در گذشته به نیازمندان (دهش) می‌دهند.
۱۱. دستبندی هفت رنگ که روز جشن تیرگان به دست می‌بندند و روز بادایزد و تیرماه آن را به باد می‌دهند.
۱۲. در گویش بهدینی کرمانی معنی ظرف هم می‌دهد.
۱۳. در زبان بهدینی نیز مانند بسیاری از زبانهای ایرانی به جای ضمیر سوم شخص، از ضمائر اشاره برای دور استفاده می‌شود.
- Ferguson ۱۴
۱۵. برای دستیابی به این هدف تا کنون سخنرانی‌ها و مقاله‌هایی در همایش‌های و گردهمایی‌های جامعه زرتشتی درباره گویش بهدینی کرمانی ارائه شده است.
۱۶. Endangered Languages Documentation

کتابنامه

الف. کتاب‌های فارسی

۱. اشمیت، رودیگر. (۱۳۸۲-۱۳۸۳). **راهنمای زبان‌های ایرانی**. ترجمه آرمان بختیاری، حسن رضایی باغبیدی و دیگران. ج ۲. تهران: ققنوس.
۲. اشیدری، مهربان. (۱۳۸۲). **گویش زرتشتیان کرمان**. تهران.
۳. بزرگ‌چمی، پریراد. (۱۳۵۲). **بررسی اسم در زبان دری**. یدالله ثمره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران
۴. بویس، مری. (۱۳۷۷). **چکیده تاریخ کیش زرتشت**. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: صفی - علیشاه
۵. حسن دوست، محمد. (۱۳۸۹) **فرهنگ تطبیقی-موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی**. ج ۱. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۶. سروشیان، جمشید. (۱۳۳۵). **فرهنگ بهدینان**. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۷. سروشیان، جمشید. (۱۳۷۰). **تاریخ زرتشتیان کرمان در این چند سده**. ج ۱. کرمان: جمشید سروش سروشیان.

۸. شاهرخ، کیخسرو. (۱۳۵۵). **یادداشتهای کیخسرو شاهرخ**. به کوشش و زیرنویس جهانگیر اشیدری، تهران: چاپ پرچم.
۹. فیروز بخش، فرانک. (۱۳۷۷). **بررسی ساختمان دستوری گویش بهدینان شهر یزد**. تهران: انتشارات فروهر.
۱۰. غلامی، سالومه و فرمند، آرمیتا. (۲۰۱۶). **دَری زرتشتی (بهدینی) در کرمان**. بارسلونا: (Estudios Iranios Y Turanios. Supplementa Didactica 1). Girona: Sociedad de estudios iranios y turanios (SEIT).
۱۱. قدردان، مهرداد. (۱۳۸۶). **بررسی زبان شناختی و دستوری گویش زرتشتیان شریف آباد اردکان یزد**. شیراز: رخشید.
۱۲. مزداپور، کنایون. (۱۳۷۴). **واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد** (فارسی به گویش همراه با مثال). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. _____ (۱۳۸۲). **زرتشتیان**. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

ب. مقاله‌ها

۱۴. ایمانی، محمود. (۱۳۸۹). «**تغییر در خط و زبان**». آموزش زبان و ادب فارسی. شماره چهار دوره بیست و سوم، صص ۳۸ تا ۴۰.
۱۵. بشیرنژاد، حسن. (۸۳-۱۳۸۴). «**زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض**». فرهنگ مردم ایران. شماره ۵۶. انتشارات مرکز تحقیقات صص ۶۵ تا ۸۴.
۱۶. ثمره، یدالله. (۱۳۵۵). «**پاره ای ویژگیهای دستوری گویش دری گونه زین آبادی**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. سال ۲۳ شماره ۴.
۱۷. حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۸). «**مرگ و مانایی زبان**». مجله آزما. شماره ۳. صص ۳۴ تا ۳۷.
۱۸. دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۷). «**زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی**». مجله ادب پژوهی. شماره ۵، صص ۲۸ تا ۹۱.
۱۹. مدرّسی، یحیی. (۱۳۸۸). «**تحولات اجتماعی سیاسی و زبان‌های ملی**». فصلنامه تحقیقات فرهنگی شماره ۱ دوره دوم، صص ۱۰ تا ۱۶.
۲۰. مدرّسی، یحیی و حسن بشیرنژاد. (۱۳۸۵). «**چرا و چگونه زبان‌ها می‌میرند؟**». زبان و ادب، شماره ۳۰، صص ۸۳ تا ۱۰۶.
۲۱. ترقی اوغاز، حسن علی. (۱۳۸۶). «**نقد و بررسی: مرگ زبان‌ها**». نامه فرهنگستان شماره ۳۳، صص ۹۷ تا ۱۰۳.
۲۲. نعمتی، آزاده و محمد رضا فلاحی. (۱۳۸۳). «**مرگ زبان**». رشد آموزش زبان و ادب فارسی شماره ۶۹، صص ۳۰ تا ۳۵.

ج. منابع لاتین

23. Denison, N. (1997); **language death or language suicide?** international Journal of the Sociology of Language 12, 13-22
24. Fasold, Ralph. (1987); *The sociolinguistics of society*; Cambridge: Cambridge University press.
25. Ferguson, Charles A. (1977); **The language factor in national development**; Antropological Linguistic 4:1 23-24.
26. Gholami (2016) ; **Zoroastrians of vi**. Linguistic documentation; In : www.encyclopediairanica.com.
27. Houtum-Schindler, A. (1882) ; **Die Parsen in Persien**, ihre Sprache und einige ihrer Gebräuche. Zeitschrift der deutschen Morgenländischen Gesellschaft 36: 54-88.
28. Ivanow, W. (1932) ; **Late Professor E. G. Browne's specimen of the Gabri dialect**; Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Northern Ireland 28: 403-405.
29. Ivanow, W. (1932) ; **Petermann-Justi's Gabri-Uebersetzungen**. Islamica 573-580.
30. Ivanow, W. (1935) ; **The Gabri dialect spoken by the Zoroastrians of Persia**. Rivista degli studi orientali 16: 31-97 (introduction, grammar).
31. Ivanow, W. (1938) ; **The Gabri dialect spoken by the Zoroastrians of Persia**. Rivista degli studi orientali 17: 1-39 (texts).
32. Ivanow, W. (1939) ; **The Gabri dialect spoken by the Zoroastrians of Persia**. Rivista degli studi orientali 18: 1-59 (vocabulary).
33. Lecoq, Pierre (1989) ; **Les dialectes du centre de l'Iran** In: *Compendium Linguarum Iranicarum*, pp. 313-326
34. Windfuhr, G. (1989) ; **"Behdīnān Dialect"**, *Encyclopaedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/behdinan-dialect>.

